

اتاق عمل

ناگفته‌هایی از زندگی شهید دکتر مصطفی رستم‌پور

حمید گله‌داری

انتشارات سوره سبز



انتشارات سوره سبز

ناشر برگزیده و برتر فرهنگ و ادب ایرانی

اتفاق عمل

ناگفته‌هایی از زندگی شهید دکتر مصطفی رستم پور

حمید الهیاری

اتفاق عمل: ناگفته‌هایی از زندگی شهید دکتر مصطفی رستم پور

تهران: انتشارات سوره سبز

۱۱۵ صفحه

۹۳-۰۰-۶۲۴۰-۶۰-۷۸

شیراز

رستم پور مصطفی - ۱۳۳۳-۶۵

جنگ ایران و عراق ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - شهیدان - سرگذشته

PIR ۱۳۹۴ ۲ الف ۷۸۲ / ل ۸۱۹۲

۸۶۴۲/۳

۳۹۱۰۳۷۹

• نویسنده: حمید گله داری

• ویراستار: محسن صادق نیا

• مدیر هنری و آماده سازی:

• جبهه هنرهای زیبا - مجتبی صالحی

• صفحه آرا: سناناز کاظمی

• نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۴

• شماره گان: ۵۰۰ نسخه

• قیمت: ۵۰۰ / تومان

مرکز پخش:

تهران - خیابان ولی عصر (ع.ج)

نرسیده به تقاطع خیابان بهشت

خیابان عبادی - شماره ۱۵ - حد ۶

انتشارات سوره سبز (معاونت بازرگانی)

تلفن: ۲ - ۸۸۱۰۴۴۳۰ - ۰۲۱ - ۰۹۱۲۵۱۳۱۲۶۸

تمامی حقوق © محفوظ است

Soroush Sabz In The Islamic Republic Of Iran

حکایت اول

شاید به خاطر نوع نگاشته‌ای که تاکنون به موضوع دفاع مقدس شده است و حریمی که برای آن تعریف کرده‌ایم، ناخودآگاه آن را به مجموعه پیچیده‌ای بدل کرده‌ایم که بسیاری حتی از سر کنجکاوی هم علاقه‌ای به گشودن آن ندارند؛ چه رسد به داخل شدن و حضور.

اما یک چیز مسلم است؛ در دهه‌هایی که در طول سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ بر مردم ما گذشت، مردان و زنانی دیدیم که جنسشان با اکثریت، متفاوت و عیارشان خالص‌تر است، عملشان با رهنمای‌های دنیوی نمی‌توان محک زد و فقط خدا از عمق روح و عظمت و جبرانشان آگاه است و بس. کتاب حاضر، داستان‌شیدایی نسلی است که جانانه با همه تعالیات ریز و درشتشان به زندگی دنیا، دست از خواسته‌های خویش شستند و با ارزش‌ترین دارایی خود را برای ما که اکنون به دور از غوغای جنگ و خون‌ریزی، همسفر ثانیه‌های حیاتیم، نثار کردند.

اثر حاضر می‌خواهد گواهی دهد که چه بسیار زنان و مردان مردی که بی‌نام و نشان بر سریر عشق نشستند و بی‌هیاهو مرکب کوچ خود را تا دیار معشوق

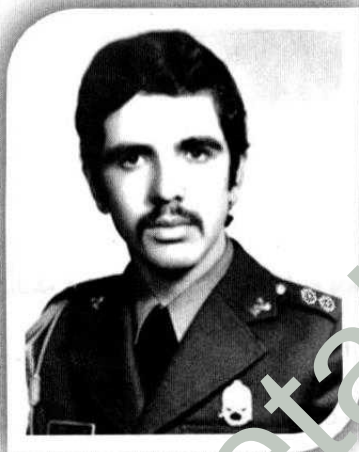
راندند؛ آنقدر بی صدا که حتی نامشان را هم کسی به خاطر نمی آورد و بر کوره راهی نیز به یادگار نوشته نشده است.

سوره سبز با قدردانی از همکاری امیر سرتیپ دوم دکتر محمدحسین لشکری (رئیس دانشگاه علوم پزشکی ارتش)، امیر سرتیپ دوم غلامحسین دربندی، امیر سرتیپ دوم دکتر نامجوی نیک، دکتر نادر تقوی، دکتر احسان نصیرالاسلامی، دکتر رضا منتظر، جناب آقای مجید سلحشور، ناو سروان حاج آقا قیاسی و همه عزیزانی که در کلیه مراحل تدوین و چاپ این اثر زحمات عالیه کشیده اند، امیدوار است مورد پسند خوانندگان محترم قرار گیرد.

انتشارات سوره سبز

در یک نگاه

شهید سرهنگ ۲ دکتر مصطفی رستم‌پور



- تولد: بیست و پنجم مرداد ۱۳۳۱ - شهرستان بیجار
- نام پدر: محمد
- تحصیلات: پزشکی - متخصص جراحی عمومی
- تعداد فرزندان: یک پسر؛ کرسان
- نحوه مصدومیت و شهادت: در دهم دی ۱۳۶۵ در حال مداوا یکی از مجروحان در بیمارستان صحرایی ۵۲۸ سومار بر اثر بمباران بمباران به شدت مصدوم شد و سی و پنج روز بعد در بخش ICU بیمارستان «سن آنتوان» پاریس به شهادت رسید.
- عامل شیمیایی: گاز خردل
- تاریخ اعزام به جبهه: پنجم دی ۱۳۶۵
- تاریخ شهادت: پانزدهم بهمن ۱۳۶۵
- مزار: شهرستان بیجار، زادگاه شهید

به جای مقدمه

هر چند در رستم پور با شهادتش برای خود مقامی رفیع و فیضی الهی کسب کرد، اما این اتفاق برای خانواده داغدیده‌اش بسیار تلخ و ناگوار بود و آثار پدر غم و اندوه فرو برد. پدرش، استاد محمد رستم پور، متخلص به «خیر» از شاعران بنام شهرستان بیجار بود. این پدر داغ‌دیده در زمان حیات خرد به تصای لطافت روح شاعرانه‌اش پس از شهادت فرزند دل‌بندش رقت قالب، «سوزل و آه سینه‌اش را در قالب اشعاری به یادگار گذاشته است که نمونه‌هایی از آن تقدیم می‌شود:

آتشم بالا بگیرد چون به خاطر آرمت

مصطفی جانم، عزیزم، مرده چون پندارمت

جنگ ویرانگر تو را با بمب شیمین‌زا بسوخت

کی شود خاموش داغت، گرزدیده بارمت

در بهار زندگی همچون گلی پرپر شدی
بلکه چون گل سبزگردی در دلم می کارمت
داخل گلدان دل در خاک مهرت پرورم
مردمی بودی، از آن از هرکسی بشمارمت
دوریت خیر زمین و اشک چشمش آب آن
سوختی آن سان نرویی سوزم و بگذارمت

بر وجودت مصطفی نیر از انداختند
سید میادان شدی، زیرا خدا نشناختند
بمب شیمی را تو را سوزاند و ما را داغ داد
از برای سلطنت این گونه بر ما تاختند
آه از این بستان که تا برگ از درخت آید برون
از برای رفتنش مرا کوه علت ساختند
خیر همچون دست غیبی هست و می باشد حساب
پس مسلّم، زین جنایت، خویشان را باختند

از ما رمیده‌ای به کجا آرمیده‌ای
ای نو سفر که سوی خدا پر کشیده‌ای

تاریک گشت منزل ما بی وجود تو

فرسوده ایم چون که به ما نور دیده ای

از تندباد حادث این دور روزگار

پژمرده همچون نو گل در صبح، چیده ای

با گویمت که به بیداد باد سخت

در باغ دهر، شاخ بلند خمیده ای

شرفی پیمن در دل ما بعد تو نماند

صید اجل برده تو را؟ یا پریده ای؟

ببریده ای ز فیض علایق، خوب بخواب

خواب خوشی که نیک تر از آن ندیده ای

ما را سرو سبز تو ای نور دیده ای

که این سرای به عالم بالا رسیده ای

حجت الاسلام شیخ علی اکبر کوماسیان، مخاص به «اکبر» در قطعه

شعری با عنوان «عارف دلسوخته» زبان حال خاراده، غدا را در رئای

همسر و فرزند شهیدش به خانواده رستم پور تقدیم کرده و چنین

سروده است:

مصطفی بی تو اگر اشک نریزم چه کنم

خود بگو با غم دل بی تو عزیزم چه کنم

مصطفی بی تو صفای گل و گلزارم نیست

ای گل و بلبل و باغ و همه چیزم، چه کنم

جگرم با جگر سوخته ات سوخت، ولی
نیست از سوز جگر راه گریزم چه کنم
در نیاویزم اگر با روش چرخ دنی
با قضا و قدر از غم نستیزم چه کنم
بی تویی عارف دلسوخته راه خدا
من دل خسته ز دنیا نگریزم چه کنم
«کبریا از غم این ماتم جانکاه بگو
مصطفی بی تو اگر اشک نریزم چه کنم

«خیر» نیز به استقبال این طاء رفته و چنین سروده است:

نه شبم شب بود و نی که بود روزم روز
به خدا در غم تو رفت تمیزم چه کنم
هر کجایی که روم، در نظرم می آیی
خاک غم بر سر خود کر که، نسیم چه کنم